



نگرشی تحلیلی بر بهره‌گیری از هنرهای سنتی در مجموعه انیمیشن جوانمردان*

عبدالکریم عطارزاده^۱، زهرا لطفی^{۲**}

^۱ استادیار گروه هنر اسلامی و صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد صنایع دستی، دانشکده هنر دانشگاه سوره، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله ۹۸/۱۱/۲۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۵/۱۹)

چکیده

مجموعه انیمیشن جوانمردان، یکی از تولیدات ساخته شده به سفارش مرکز پویانمایی صبا است. فصل اول آن در سیزده قسمت، به روایت حمله مغولان به ایران و ایستادگی و مقاومت گروهی به نام جوانمردان در مقابل آنان می‌پردازد. در این پژوهش سعی شده است، با توجه به بازه زمانی این مجموعه، یعنی حمله مغول به ایران که در اوایل قرن هفتم ه.ق اتفاق می‌افتد، این امر مورد بررسی قرار بگیرد که تا چه اندازه از هنرهای سنتی همزمان با دوره این انیمیشن، یعنی سلجوقی و خوارزمشاهی استفاده شده و این استفاده بیشتر در چه زمینه‌هایی بوده است. هدف از این پژوهش بررسی واقعیت‌نگاری تاریخ در تصویرگری امروز است. نوع پژوهش، بنیادی و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، میدانی، مشاهده‌ای و مصاحبه انجام شده است. نتیجه این پژوهش نشان داد که در طراحی این مجموعه هیچ توجهی به دوره تاریخی آن نشده و تنها به خلق فضایی با نگرش اسلامی بدون توجه به موقعیت جغرافیایی و تاریخی آن پرداخته شده است. بخش‌های کمی از تزئینات آجرکاری و کاشی‌کاری، ساختار شهری، معماری بازار و لباس مردان را با این دوره می‌توان منطبق دانست، هرچند در این بخش‌ها نیز تناقضاتی در جزئیات و تزئینات به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی

انیمیشن، هنرهای سنتی، خوارزمشاهیان، سلجوقیان، مجموعه انیمیشن جوانمردان، معماری اسلامی.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی نگارنده دوم با عنوان «نگرشی تحلیلی بر بهره‌گیری از هنرهای سنتی در مجموعه انیمیشن جوانمردان» که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه سوره ارائه شده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۰۹۱۹۴۸۸۵۹۲۷، Email: zahra.lotfi.zahra@gmail.com



مقدمه

یکتا و یکتابری، به بررسی معماری دوره پهلوی و مقایسه آن با معماری تصویر شده در مجموعه مدار صفر درجه پرداخته شده است. همچنین در پایان نامه‌ای با عنوان بررسی شخصیت پردازی‌های اسطوره‌های انیمیشن رستم و بازی رایانه‌ای گرشاسب و میزان اثرپذیری آنها از منابع ایرانی» نوشته زهره کاظمی، فاکتورهایی چون چهره، لباس و ادوات جنگی دو اسطوره (گرشاسب و رستم) با پوشاک و ادوات جنگی سلسله‌های تاریخی پیش از اسلام (هخامنشی، اشکانی و ساسانی) تطبیق داده شده است. سارا تقویان در پایان نامه خود با عنوان «بازنمایی جنبه‌های مختلف طراحی لباس در آثار شاخص انیمیشن سینمایی ایران (۱۳۹۵-۱۳۸۰)»، طراحی لباس در سه انیمیشن سینمایی جمشید و خورشید، فهرست مقدس و شاهزاده روم؛ از نظر مؤلفه‌های بصری و ساختاری چون رنگ، خطوط لباس، خطوط محیطی، واقعگرایی، صحت تاریخی، نمادگرایی و استفاده از عناصری چون اغراق و تضاد با هدف بررسی جنبه‌های مختلف طراحی لباس و تحلیل آسیب‌شناسانه آن در آثار انیمیشن سینمایی پرداخته است. همچنین مسعود بهمنی در پایان نامه‌ای با عنوان «تأثیر عناصر زیبایی‌شناسی هنرهای سنتی ژاپن بر انیمیشن‌های عروسکی کیهاچیرو کاواموتو» به بررسی تئاتر نوه و بونراکو و سپس تأثیر آن بر آثار کیهاچیرو کاواموتو، انیماتور ژاپنی پرداخته است. «نگاهی پژوهشی به کارکرد هنرهای سنتی از منظر سینما» نیز پایان نامه‌ای است که نگارنده آن، ناهید الوندی، به بررسی وجه رسانه‌ای و خصوصیات سینما پرداخته، سپس نسبت و نقاط مشترک هنرهای سنتی با سینما را مورد پژوهش قرار داده است. در این پایان نامه دو فیلم «بهار، تابستان، پاییز، زمستان... و بهار» ساخته کیم کی دوک و «گبه» ساخته محسن مخملباف مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

انیمیشن جوانمردان: داستان مجموعه جوانمردان با نبرد سپاه ایران و سپاه مغولان آغاز می‌شود. شهاب‌الدین فرمانده لشکر ایران، به موجب خیانت یکی از نزدیکانش شکست خورده و به روستایی در نزدیکی شهر قاران می‌گریزد. او با همکاری دوست صمیمیاش مراد و چند نفر از اهالی روستا، گروهی به نام جوانمردان را تشکیل داده و از مردم در برابر ظلم مغولان دفاع می‌کند. این انیمیشن به صورت سه بُعدی کامپیوتری ساخته شده و در سیزده قسمت بیست دقیقه‌ای در سال ۱۳۹۷ برای اولین بار از شبکه امید صدا و سیما پخش شده است. با توجه به دوره تاریخی این اثر که مربوط به ابتدای قرن هفتم ه.ق و اواخر حکومت خوارزمشاهیان است، در این پژوهش تلاش شده است هنرهای سنتی به کاررفته در مجموعه جوانمردان را با نمونه‌های به‌جا مانده از آن دوران تطبیق داده و صحت تاریخی آن مورد بررسی قرار بگیرد. اما، با توجه

پرداختن به داستان‌های کهن و تاریخی همواره مورد توجه فیلمسازان بوده است. استفاده از انیمیشن گاه به عنوان بستری برای نمایش اتفاقات و گاه به صورت جلوه‌های ویژه در کنار فیلم زنده، بازنمایی تاریخی را آسانتر، باورپذیرتر و روند فهم داستان را برای مخاطبین هموارتر کرده است. در ایران نیز با توجه به تاریخ و ادبیات غنی، پرداختن به این دست از موضوعات برای ساخت فیلم و انیمیشن استقبال فیلمسازان را به همراه داشته است. شاید بتوان واقعه حمله مغول به ایران را مخوف‌ترین و سهمگین‌ترین اتفاق در تاریخ ایران دانست که منجر به نابودی بخش زیادی از فرهنگ، تاریخ و هویت ایران شد. مجموعه انیمیشن جوانمردان درست به شرح بخشی از همین واقعه می‌پردازد. این مجموعه به سفارش مرکز پویانمایی صبا و به کارگردانی علی احمدی و تهیه‌کنندگی الهام ابراهیمی، به صورت سه بُعدی کامپیوتری ساخته شده است. نمایش حمله مغولان در این مجموعه بیانگر دوره تاریخی داستان این انیمیشن، یعنی ابتدای قرن هفتم و سقوط سلسله خوارزمشاهیان به دست مغولان است. بنابراین با توجه به وجهه تاریخی انیمیشن جوانمردان، در این پژوهش سعی شده است مشخص شود سازندگان انیمیشن‌های ایرانی در نمایش مسائل تاریخی، تا چه میزان به واقعیت‌نگاری تاریخی اهمیت داده و جانب امانتداری را رعایت می‌کنند. بر همین اساس، در این پژوهش کوشیده شده است تا با تطبیق ویژگی‌های هنری دوره خوارزمشاهی و سلجوقی با انیمیشن جوانمردان، به این مساله پرداخته شود.

روش پژوهش

نوع پژوهش، بنیادی و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، میدانی، مشاهده‌ای و مصاحبه انجام شده است.

پرسش‌های تحقیق: در این پژوهش تلاش شده است که به این دو پرسش پاسخ داده شود:

۱. تا چه میزان از ویژگی‌های هنری همزمان در ساخت مجموعه انیمیشن جوانمردان استفاده شده است؟

۲. بیشترین زمینه‌ی بهره‌گیری از مباحث تاریخی در انیمیشن جوانمردان در کدام بخش‌ها است؟

پیشینه پژوهش

در زمینه تطبیق تاریخی در آثار تصویری و نیز بهره‌گیری از هنرهای سنتی در این آثار، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. به طور مثال در مقاله‌ای با عنوان: «راهنمادهای طراحی صحنه‌های تهران دوران پهلوی اول در سینما و مجموعه‌های تلویزیونی (با نگاهی خاص به مجموعه‌ی تلویزیونی مدار صفر درجه)» نوشته پیام فروتن



خیابان و تنبوشه‌های^۲ اطراف آن که آب مورد نیاز را به خانه‌ها می‌رسانند، کشف شده که نشان از پیشرفت شهرسازی در عهد سلجوقی است (حاتم، ۱۳۷۹: ۲۳۶-۲۳۷). از دیگر شهرهای شاخص دوره سلجوقی، اصفهان است. یکی از ویژگی‌های شهر اصفهان در دوره سلجوقی وجود مناره‌های متعدد است (هیلنبرند، ۱۳۹۵: ۱۵۴). به گفته حبیبی، کالبد شهرها در دوران سلجوقی و خوارزمشاهی عبارت بود از میدان بزرگ و اصلی شهر که معمولاً در وسط شهر قرار داشت و در اطراف میدان ساختمان‌های مهم مانند کاخ‌ها، دیوان‌ها، جامع و گاه بیمارستان ساخته می‌شد. دهانه اصلی بازار به میدان باز شده و شاخه‌هایش در شهر می‌گستراند (حبیبی، ۱۳۹۷: ۷۶). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، قاران شهری است که تا حدودی از نظر ساختار شهری و موقعیت قرارگیری بناها شبیه به شهرهای اسلامی است و وجود مناره‌های متعدد، آن را به شهرهای قرون ششم و هفتم ه.ق نزدیک‌تر کرده است.

معماری: معماری در ایران به شش شیوه تقسیم‌بندی شده است. شیوه پارسی و پارتی که مربوط به پیش از اسلام است، شیوه خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی که مربوط به دوران پس از اسلام است. از دوره آل‌زیار شیوه معماری رازی در ایران رایج شد که تا زمان خوارزمشاهیان ادامه داشت (پیرنیا، ۱۳۹۸: ۱۶۸، ۲۴). بنابراین، علیرغم کمبود آثار به‌جای‌مانده از دوره خوارزمشاهی، می‌توان با بررسی بناهای سبک رازی به درکی از معماری آن دوره رسید.

خانه‌ها: یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در معماری، موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوای منطقه است. با توجه به فضای نسبتاً سرسبز شهر قاران و نزدیکی آن به کوهستان می‌توان نتیجه گرفت این شهر، شهری کوهستانی است. خانه‌های شهر قاران، فاقد حیاط هستند و مانند آپارتمان‌های امروزی چند طبقه خانه بر روی هم‌دیگر سوار شده‌اند. سقف این خانه‌ها گاه، گنبدی شکل بوده و پلان خانه‌ها به‌صورت چند ضلعی طراحی شده‌اند (تصویر ۲). در مناطق کوهستانی، خانه‌ها اغلب به‌صورت حیاط مرکزی ساخته می‌شوند. سقف این ساختمان‌ها معمولاً صاف و شیب‌دار است. پنجره‌های این بناها کوچک هستند و توسط درهایی چوبی از بیرون



۲. خانه‌های شهر قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.

به عمر کوتاه حکومت خوارزمشاهیان و آثار اندک به‌جای‌مانده از آن دوره، به جز هنر دوره خوارزمشاهیان، هنر حکومت‌های قبل به خصوص سلجوقیان نیز مورد بررسی می‌گیرد زیرا به عقیده هیلنبرند^۲، سرزمین‌های شرقی اسلامی در فاصله زمانی ۳۹۱ تا ۶۱۷ ه.ق، دارای یک زبان رایج هنری هستند و هنر سلجوقیان، آلبویه، غزنویان، غوریان، قراختاییان و خوارزمشاهیان با یکدیگر آمیخته شده است (هیلن برند، ۱۳۹۴: ۹۱). در این پژوهش، هنرهای سنتی به‌کاررفته در مجموعه انیمیشن جوانمردان، به چند دسته تقسیم می‌شود. شهرسازی، معماری، عناصر معماری، ظروف سفالی، منسوجات، فرش و آثار فلزی.

شهرسازی: داستان مجموعه جوانمردان در شهری خیالی به نام قاران اتفاق می‌افتد. این شهر دارای یک میدان اصلی است که حوضی بزرگ در وسط آن قرار دارد. دور میدان، بنای مسجد و ورودی بازار و چند بنای دیگر دیده می‌شوند. خیابان‌های شهر قاران با سنگ، مفروش شده‌اند و دیوارهای ابنیه شهر آجری هستند. جهت تزئین بناها استفاده از کاشی‌های هفت رنگ، آجرکاری، گچبری و دیگر تزئینات به چشم می‌خورد. با توجه به تعدد خانه‌ها، می‌توان شهر قاران را شهری پرجمعیت دانست. همچنین آن‌چه در نمای دور جلب توجه می‌کند، وجود مناره‌های متعدد در سطح شهر است. در شمال شهر، قلعه کاخ مغولان قرار دارد که دورتادور این قلعه کاخ با دیوارهای بلندی محافظت می‌شود. در خارج از شهر قاران نیز روستاهای متعددی قرار دارند (تصویر ۱).

هرچند به موجب حمله ویرانگر مغول به ایران و گذشت زمان بسیار، نمونه زیادی از شهرهای آن دوره باقی نمانده است؛ اما با کمک نقشه‌ها، سفرنامه‌ها، متون به‌جای‌مانده از آن زمان و بقایای شهرها می‌توان به درکی از شهرسازی آن دوره رسید. به گفته کیانی: «مهم‌ترین مرحله شهرنشینی و شهرسازی در ایران در قرون میانی اسلامی، هم‌زمان با روی کار آمدن سلجوقیان است» (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۶). از کاوش‌های شهرهای دوره سلجوقی می‌توان پیشرفت شهرسازی در این دوران را مشاهده کرد به‌طور مثال به گفته حاتم، با کاوش‌های صورت گرفته در شهر جرجان، خیابان‌های آجر فرش با پیاده‌روهایی در دو طرف آن، همچنین کانال انشعابی در وسط



۱. میدان اصلی شهر قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.



سنگی محصور شده است. این قلعه کاخ عظیم سنگی، دارای گنبد‌های متعدد بوده و دروازه آن با دو شیردال سنگی محافظت می‌شود (تصویر ۴). بنای کاخ مغولان در این مجموعه، به موجب پوشش سنگی و استحکامات آن، ظاهری شبیه به قلعه پیدا کرده است؛ اما قلعه در معماری ایران تعریفی متفاوت از کاخ دارد. به گفته پیرنیا، در گذشته کنار هر شهر یا آبادی، قلعه یا دژ قرار داشت. این قلعه‌ها هنگام ناآرامی‌ها پناهگاه مردم بودند. فضای داخل این قلعه‌ها همانند یک شهر بود و نیازهای مردم را تا مدت‌ها تامین می‌کرد (پیرنیا، ۱۳۹۵: ۸۲). بنابراین می‌توان این بنا را به موجب شکل ظاهری آن ترکیبی از قلعه و کاخ دانست.

آنچه در نگاه اول از این قلعه کاخ به نظر می‌رسد، غریب بودن معماری آن با معماری قرون میانی اسلامی در ایران است. وجود کنگره‌های سنگی بر روی دیوارها و پله‌ها و نیز شیردال سنگی ورودی کاخ، مخاطب ایرانی را بی‌اختیار به یاد معماری ایران باستان و به خصوص بنای تخت جمشید می‌اندازد؛ هرچند نوع طراحی آن با نمونه هخامنشی متفاوت است. وجود گنبد‌های متعدد بر روی این بنا نیز یادآور معماری کویری ایران است که نمونه آن را در خانه‌های کاشان می‌توان مشاهده کرد. به هر تقدیر، آنچه در این بنا مشاهده می‌شود تناسبی با معماری قرون میانی اسلامی ایران نداشته و می‌توان طراحی آن را ترکیبی از سبک‌های مختلف دانست.

بازار: یکی از مهم‌ترین ساختمان‌های درون شهری ایران، بازار است. به گفته حاتم بازار مرو در دوره سلجوقی در تقاطع دو خیابان اصلی قرار داشت و سقف بازار آن با قبه‌هایی پوشیده شده بود و هر قسمت بازار محل فعالیت پیشه‌ای خاص بود (حاتم، ۱۳۷۹: ۲۳۶). همچنین همانطور که پیشتر اشاره شد در دوره سلجوقی و خوارزمشاهی دهانه بازار در میدان اصلی شهر قرار داشت و بازار در سطح شهر گسترده شده بود. بازار شهر قاران نیز بازاری طولی است که دهانه اصلی آن در میدان اصلی شهر قرار دارد و شاخه‌های آن در شهر گسترده شده است (تصویر ۵). بنابراین می‌توان گفت بازار شهر قاران از لحاظ ساختاری با بازارهای قرون ششم و هفتم ه.ق در ایران همخوانی دارد. اما همانطور که در قسمت‌های جلوتر نیز

محافظت می‌شوند تا از انتقال حرارت جلوگیری شود (طاهباز و جلیلیان، ۱۳۹۰: ۶۳). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از نظر اقلیمی این خانه‌ها با جغرافیای مکانی خود منطبق نیستند. از طرفی کهن‌ترین الگوی خانه‌ها در معماری ایرانی، الگوی چهارصُفّه یا چهارچُفّه است که با نام چهارخانه هم شناخته می‌شود؛ زیرا چهار اتاق دارد. الگوی چهار صُفّه، الگوی پایه برای همه خانه‌ها ایرانی شده و در طول زمان روند تکاملی را طی کرده است (پیرنیا، ۱۳۹۸: ۱۴۹-۱۵۷). بنابراین سازندگان این مجموعه می‌توانستند با بهره‌گیری از الگوی خانه‌های کهن ایران، علاوه بر انطباق تاریخی بیشتر، مشکل عدم هماهنگی با اقلیم جغرافیایی شهر قاران را به نوعی مرتفع سازند که متأسفانه این امر صورت نگرفته است.

مسجد: الگوی ساخت مساجد در ایران را به چهار دسته طبقه‌بندی می‌شود. شبستانی یا چهل‌ستونی، گنبدخانه‌ای، ایوانی و تنبی شکل (پیرنیا، ۱۳۹۵: ۲۶۰). در شیوه رازی، بنای مساجد با حذف ستون‌های شیوه شبستانی، تبدیل به بناهای چهار ایوانی شدند. (پیرنیا، ۱۳۹۸: ۱۷۲). هرچند پژوهشگران هنر دوره خوارزمشاهی را در ادامه هنر سلجوقی می‌دانند اما یکی از ویژگی‌های متمایز هنر خوارزمشاهی در برابر سلجوقی، ساخت مساجد دو ایوانی است. نمونه این مساجد را در مسجد ملک زوزن و گناباد می‌توان مشاهده کرد (اکبری، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۶۳). مسجد مجموعه جوانمردان مسجدی کوچک با پلان مربع و فاقد حیاط است که دارای یک ایوان ورودی، دومناره و نیز گنبدی به شکل نار بوده و در چوبی بزرگی روی آن قرار دارد. ساختار این مسجد شباهتی به نمونه‌های شاخص هم دوره خود ندارد و بهتر بود که این مسجد به صورت مساجد دو ایوانی و یا چهار ایوانی طراحی می‌شد (تصویر ۳). یکی دیگر از ویژگی‌های مسجد شهر قاران، پوشیده شدن ساقه مناره‌ها و گنبد با کاشی هفت‌رنگ است. استفاده از این تزئینات همانطور که در قسمت‌های جلوتر بیان خواهد شد، در قرون ششم و هفتم ه.ق وجود نداشته است. بنابراین این مسجد نمی‌تواند معرف مناسبی برای مساجد ایران در قرن هفتم ه.ق باشد.

قلعه کاخ: یکی از بناهای شاخص در شهر قاران، قلعه کاخی است که مغولان در آن مستقر شده‌اند. دورتادور این بنا با دیوارهای



۴. قلعه کاخ مغولان، تصویر گرفته شده از فیلم.



۳. مسجد شهر قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.



کاری دارند. شماری از این درها دارای خورشیدی و قواره بری به همراه شیشه‌های رنگی هستند. به گفته پیرنیا: «خورشیدی‌ها از دوره قاجاریه در ایران معمول شد و احتمالاً برگرفته از هنر گوتیک بود- از بناها و کلیساهای روسی گرفته شده بود- که بین آلت‌ها شیشه‌های رنگی قرار می‌دادند» (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۲۰۱). بنابراین استفاده از خورشیدی در قرون ششم و هفتم ه.ق امری محال بوده و در این مجموعه نباید مورد استفاده قرار می‌گرفته است. شیوه قواره بری دیگر روشی است که در نمای پنجره‌ها و درهای این مجموعه دیده می‌شود. این شیوه که به گفته پیرنیا بعد از دوران صفوی در ایران رایج شد (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۲۰۸)، دیگر اشتباه طراحان و سازندگان مجموعه انیمیشن جوانمردان در بازنمایی شهری در ابتدای قرن هفتم ه.ق است (تصویر ۷). به عبارتی، آن چه در این مجموعه مشاهده می‌شود، مجموعه‌ای از درها و پنجره‌هاست که هرکدام را به دوره‌ای می‌توان نسبت داد و انسجام و وحدتی در شکل ظاهری و شیوه ساخت آنها وجود ندارد.

آجرکاری: در انیمیشن جوانمردان آجرکاری به سه روش مختلف دیده می‌شود. ابتدا آجرکاری‌هایی که به صورت رگچین گلانداز و با استفاده از آجر لعابدار نمایش داده شده است (تصویر ۸). شیوه گل انداز یکی از نمونه‌های پرکاربرد در گرهچینی سلجوقی است (شکفته و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۲). اما به گفته کیانی استفاده از «گرهکاری رنگی» یا کاربرد آجرهای رنگی برای نقش‌اندازی روی بنا از ویژگی‌های دوره ایلخانی است (کیانی، ۱۳۶۷: ۶۹). بنابراین استفاده از این روش را در آجرکاری دوره خوارزمشاهی

اشاره خواهد شد، برخی تزئینات بازار با تزئینات معماری قرون ششم و هفتم ه.ق منطبق نیست و سازندگان این مجموعه باید این نکته را در طراحی بازار لحاظ می‌کردند.

عناصر معماری

درها و پنجره‌ها: بناهای شهر قاران دارای درها و پنجره‌های چوبی هستند. به گفته به کیانی آن چه که امروز از هنرهای چوبی سلجوقیان بر جای مانده محدود به چند منبر چوبی، رحل قرآن، تابوت و در چوبی است که مزین به منبت کاری هستند (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۲۷). پنجره‌های شهر قاران یا به صورت روزنه‌ای مشبک گره‌چینی دیده می‌شوند، یا به صورت پنجره‌هایی دولنگه که دارای کتیبه بوده و جنس تمام آنها از چوب است اگر پنجره‌های دولنگه این مجموعه را بر اساس نقش هندسی روی آن، شمایی از منبت کاری در نظر بگیریم، می‌توان این پنجره‌ها را منسوب به قرون ششم و هفتم ه.ق دانست (تصویر ۶). هرچند این پنجره‌ها نمی‌توانند معرف غنای منبت کاری آن زمان باشند. درباره تاریخچه پنجره‌ها یا روزنه‌ای مشبک چوبی نیز اطلاعات زیادی در دست نیست. به گفته پوپ^۴ پنجره‌های مشبک چوبی با نقش‌های هندسی پیچیده و نرده‌ها از الحاقات زیبای بناها بوده‌اند که پیشینه آن به سده‌های میانی اسلامی می‌رسد (پوپ و آکرمن^۵، ۱۳۸۷: ۱۵۸۳). بنابراین وجود پنجره‌های مشبک چوبی در آن دوره محتمل است. هرچند درباره طرح آنها و نیز میزان رواج آن در دوره خوارزمشاهی و سلجوقی اطلاعاتی موجود نیست.

اغلب درهای این مجموعه دولنگه بوده و تزئیناتی شبیه به منبت



۶. پنجره های شهر قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.



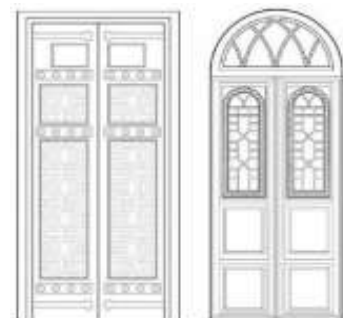
۵. بازار شهر قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.



۹. آجرکاری همراه با کاشی تک‌رنگ، تصویر گرفته شده از فیلم.



۸. آجرکاری، تصویر گرفته شده از فیلم.



۷. درهای شهر قاران، طراحی خطی.



کاشی معرقی که در سر در بازار شهر قاران دیده می‌شود (تصویر ۱۳)، از نقش محراب مسجد امام اصفهان اقتباس شده است. باید در نظر داشت کاشی معرق در این دوران بسیار ساده‌تر از ادوار بعد از خود بوده است و در واقع در این دوران بنای کاشی معرق در سال‌های بعد پیریزی می‌شود. بنابراین استفاده از نقش محراب مسجد امام که مربوط به ۷۵۵ ه.ق است، نمی‌تواند انتخاب صحیحی باشد.

در حوض تالار قلعه کاخ مغولان نیز از کاشی زلیج استفاده شده که به گفته یاوری این نوع کاشی معرق از مشخصات سبک معماری مغرب است (یاوری، ۱۳۹۳: ۱۴۱) (تصویر ۱۴). بنابراین استفاده از آن صحیح به نظر نمی‌رسد.

گچبری: به طور کلی از سده‌های نخستین اسلامی در ایران از گچبری جهت تزئین بنا استفاده می‌شد. به عنوان مثال می‌توان به گچ‌بری‌های مسجد جامع نائین در قرن چهارم اشاره کرد (حسن، ۱۳۹۸: ۵۵-۵۶). در نمونه‌های به جای مانده از دوره خوارزمشاهیان، می‌توان از گچ‌بری‌های مساجد گناباد و فریومد نام برد. تزئینات گچبری در مجموعه جوانمردان ماهیت مشخصی ندارند و نوع آن را نمی‌توان تشخیص داد. اما یکی از گچ‌بری‌های شناسنامه‌دار و تاریخی که در این مجموعه استفاده شده است، گچبری محراب اولجایتاوست (تصویر ۱۵). این گچبری که در واقع محراب مسجد جامع اصفهان است، بدون هیچی شک و تردیدی با استناد به نام محمد خدابنده که هشتمین پادشاه ایلخانی است و تاریخ حک شده بر روی این گچبری که تاریخ ۷۱۰ ه.ق را نشان می‌دهد مربوط به دوره ایلخانی است.

اشیاء و ظروف سفالی: در بین قرون پنجم تا هشتم ه.ق سفال ایران به اوج خود رسید. به گفته کامبخش‌فرد: «سفالسازان عهد سلجوقی و جانشین آنها، خوارزمشاهیان، ظروفی می‌ساختند که در زمره بهترین و زیباترین کارهای این صنعت به شمار می‌آید. بسیاری طرح‌ها و شیوه‌های دوره‌ای قبل را هنرمندان این دوره تکمیل کرده‌اند. طرق جدید تزئین از قبیل طرح مشبک، لعاب جلادار، حکاکی و برش و قالبگیری در مراکز مختلف ساخت سفال به کار

نمی‌توان پذیرفت. نوع دوم، آجرکاری دیواره‌ای شهر به صورت گره‌سازی همراه با کاشی‌های کوچک و تک‌رنگ فیروزه‌ای است (تصویر ۹). مشابه همین نقش را در آجرکاری‌های رباط شرف از بناهای دوره سلجوقی می‌توان مشاهده کرد. البته تنها شمایی از این آجرکاری در کار دیده می‌شود. نوع سوم، آجرکاری‌هایی به صورت گره‌چینی است که مشابه آن در برخی بناهای دوره خوارزمشاهی همانند مسجد جامع فریومد و مسجد گناباد قابل مشاهده هستند (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

آجرکاری یکی از شاخصه‌های تزئینات معماری در دوره سلجوقی و خوارزمشاهی است که بهتر بود در این مجموعه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت تا فضایی باورپذیرتر را به وجود آورد. کاشی‌کاری: تا پیش از عصر مغولان و تیموری، توجه بیشتر بر روی ساختمان و آجرکاری بود و کم‌تر از کاشی به عنوان عنصری تزئینی استفاده می‌شد (قندی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). با این حال در این دوران بود که کاشی وارد معماری شد. هیلن برند، استفاده از کاشی در معماری را یک پدیده سلجوقی می‌داند (هیلن برند، ۱۳۹۴: ۱۰۴). در مجموعه انیمیشن جوانمردان چند نوع کاشی استفاده شده است. شاخصترین کاشی استفاده شده، کاشی هفت رنگ با نقوش اسلیمی که بر روی گنبد، مناره و دیواره‌های مسجد دیده می‌شوند (تصویر ۱۲). قدیمی‌ترین نمونه کشف شده از کاشی هفت‌رنگ، در مدرسه شاهرخ در شهر خرگرد مربوط به قرن نهم ه.ق است (حسن، ۱۳۸۸: ۵۹). به گفته پیرنیا، استفاده از کاشی هفت رنگ در معماری دوره دوم شیوه آذری، در برخی ساختمان‌ها باب شد (پیرنیا، ۱۳۹۸: ۲۳۴). بنابراین، هیچ توجیهی برای حضور کاشی هفت‌رنگ در ابتدای قرن هفتم نمی‌توان یافت.

کاشی استفاده شده دیگر در این مجموعه، کاشی معرق است. آغاز استفاده از کاشی معرق را در عهد سلجوقی و اوج این کاشی‌ها را در عهد تیموری می‌دانند (حسن، ۱۳۸۸: ۵۸). بنابراین استفاده از کاشی معرق به عنوان عنصری تزئینی در معماری داخل بنایی که احتمالاً مربوط به دوره خوارزمشاهی است را نمی‌توان رد کرد. اما نقش



۱۲. کاشی کاری گنبد مسجد قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.



۱۱. آجرکاری بازار قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.



۱۰. آجرکاری مسجد جامع فریومد. منبع: (www.memarnet.com)



در مصنوعات به خصوص فلزکاری، در کنار نقشمایه‌های رایج در هنرهای اسلامی دست به آفرینش‌های بی‌نظیری زدند (دادور و حدیدی، ۱۳۹۰: ۲۱) در مجموعه انیمیشن جوانمردان، پارچه لباس‌ها اغلب دارای زمینه‌ای ساده بوده و در حاشیه، دارای نقوشی شبیه به اسلیمی هستند. در میان البسه شخصیت‌ها، به‌ندرت لباسی یافت می‌شود که دارای زمینه‌ای طرح‌دار باشد. تعداد انگشت شماری از لباس‌ها نیز دارای طرحی راه‌راه هستند. آنچه در طرح پارچه این لباس‌ها مسلم است، عدم تطابق طرح آن با نقوش پارچه‌های قرون ششم و هفتم ه.ق است. در میان دیگر منسوجات مورد استفاده در این مجموعه می‌توان به پرچم منسوب به گروه جوانمردان اشاره کرد (تصویر ۱۸). نقش روی این پرچم برگرفته از نقش یک شیر بالدار هخامنشی است که بهتر بود از نقش شیردال‌های دوره اسلامی برای این پرچم استفاده می‌شد.

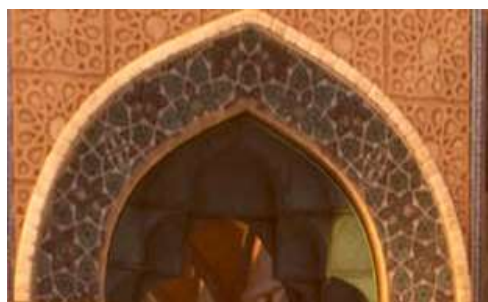
طرح جانماز شهاب‌الدین (تصویر ۱۹) نیز برگرفته شده از یکی معروف‌ترین قالی‌های دوره صفوی به نام قالی برگ داسی کلارک^۷ است (تصویر ۲۰). پوپ در کتاب سیری در هنر ایران این قالی را در دسته قالی‌های گلدانی یا شاه عباسی طبقه‌بندی می‌کند. به گفته او تاجران این فرش‌ها را شاه عباسی می‌نامند چون هیچ‌یک از قالی‌هایی با این طرح را نمی‌توان با اطمینان به تاریخی پیش از جلوس شاه عباس نسبت داد (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۷۲۱). اگر نیمی از طرح قالی کلارک را جدا کرده و قرینه کنیم، به طرح جانماز شهاب‌الدین می‌رسیم. بنابراین به نظر نمی‌رسد استفاده از این طرح

می‌رفت. ری که از شهرهای آباد و معتبر دوره سلجوقی است یکی از مراکز مهم این صنعت شد» (کامبخش‌فرد، ۱۳۹۲: ۴۶۹). متأسفانه علیرغم اهمیت و اعتلای سفال در قرون ششم و هفتم ه.ق، در مجموعه انیمیشن جوانمردان اثری از این آثار شگرف دیده نمی‌شود. ظروف سفالی استفاده‌شده در این مجموعه مربوط به سده‌های پیش از تاریخ در ایران است که استفاده از آن در قرن هفتم ه.ق توجیه‌ناپذیر است (تصویر ۱۶). در قسمت دیگری از این مجموعه نیز از سفال سرخگون یونانی استفاده شده است (تصویر ۱۷). به گفته گاردنر^۸ ابداع نقاشی سرخگون مربوط به ۵۳۰ سال قبل از میلاد مسیح است (گاردنر، ۱۳۸۵: ۱۲۱). بنابراین حضور این نوع ظروف در بازاری در قرن سیزدهم میلادی آن هم در ایران منطقی به نظر نمی‌سد.

منسوجات: نساجی از جمله صنایع و هنرهای شاخص دوره سلجوقی است. نقوش پارچه‌های سلجوقی و آل بویه از نقشمایه‌های حیوانی (شیر، عقاب، سیمرغ)، گیاهی (درخت زندگی و انواع گیاهان) و نقش انسانی (سوارانی در حال شکار و با تنوع بسیار) مایه گرفته است. به جز این موارد نگاره‌های هندسی مانند اشکال مختلفی از قاب‌ها نیز رایج بوده که از ساسانیان الهام گرفته بودند. از ویژگی‌های مهم پارچه بافی این دوره ابداع و ظهور خط‌نگاری و کتیبه‌های کوفی بر روی پارچه بود که به «طراز» شهرت داشتند. بافندگان سلجوقی فضاهای خالی را با نقوش ریز اسلیمی‌های پیچنده پر می‌کردند. در این دوره بافندگان با آمیختن نقوش به کاررفته



۱۴. کاشی کاری حوض قلعه کاخ، تصویر گرفته شده از فیلم.



۱۳. کاشی کاری سردر بازار قاران، تصویر گرفته شده از فیلم.



۱۷. سفال سرخگون، تصویر گرفته شده از فیلم.



۱۶. سفالی با نقوش پیش از تاریخ، تصویر گرفته شده.



۱۵. گچ‌بری تالار قلعه کاخ، تصویر گرفته شده از فیلم.



نیز که سربندی پارچه‌ای و ساده همراه با دستار شال مانند بر سر زنان است، بیشتر به پوشش زنان امروزی مشابهت دارد تا زنان دوره خوارزمشاهی (تصویر ۲۴). بنابراین وجود این نوع پوشش سر را در آن دوران می‌توان رد کرد.

قبا و بالاپوش: نوعی از قباها در این دوره جلوبسته و یقه گرد و نسبتاً بسته بودند که بلندی آنها تا نیمه ساق پا می‌رسید. نوع کوتاه‌تر و بلندتر نیز وجود داشت. آستین این قباها بلند و چسبان و در ناحیه مچ کاملاً چسبان بودند. در این دوره به ندرت قبایی یافت می‌شود که آستین گشاد داشته باشد. روی بازوی این قباها نقش بازوبندی بود و دورتا دور حاشیه قبا را نواردوزی می‌کردند (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۲۸۴) (تصویر ۲۵).

لباس زنان این مجموعه بیشتر شامل پیراهنی بلند و جلوبسته همراه با جلیقه است و گاه لباس و دامن همراه با دستاری بر دور کمر نیز دیده می‌شود. این لباس‌ها آستین بلند و گاه سه‌ربع دارند و زیر آستین سه‌ربع آستین‌چه‌ای چسبان می‌پوشند (تصویر ۲۶). نکته قابل تأمل در این لباس‌ها عدم وجود نقش بازوبندی بر روی این لباس‌هاست که یکی از ویژگی‌های شاخص لباس‌های قرون ششم و هفتم ه.ق است. نکته دیگر عدم استفاده از قبای جلوباز در پوشش زنان است. به عبارتی، هیچ نشانی از پوشش قرون ششم و هفتم ه.ق را نمی‌توان در این نمونه‌ها مشاهده کرد.

کفش: کفش زنان این دوره ساده و گالش مانند بود. اما گاه در آثار به جای مانده از آن دوران نقش زنان همراه با چکمه

در پارچه‌ای مربوط به قرون ششم و هفتم ه.ق انتخاب درستی باشد. **پوشاک:** هرچند از قرون ششم و هفتم ه.ق لباسی بر جای نمانده است، اما پژوهشگران از روی دیگر آثار باقی مانده از آن دوران مانند نقاشی کتاب‌ها، ظروف سفالی و فلزی، کاشی‌ها و دیگر آثار، به بررسی پوشاک آن دوره پرداخته‌اند. چیت‌ساز پوشاک دوره غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی که همگی حکومت‌های ترک بودند را به نام پوشاک ایرانی-ترکی طبقه‌بندی می‌کند (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۴). به گفته او پوشش سر زنان در سبک ترکی-ایرانی به چند بخش تقسیم می‌شود. پوشاک زنان عادی شامل: کلاه (تصویر ۲۱)، سربند، دستار، مقنعه و چادر است.

پوشش سر زنان مجموعه انیمیشن جوانمردان شامل کلاه همراه با روسری، سربند ساده همراه با روسری که همانند شال‌های امروزی روی سر انداخته شده و یا روسری ساده به صورت تنه‌است. میان این پوشش‌ها، پوشش سر سارا یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، با نمونه‌های موجود در آن زمان مطابقت بیشتر دارد (تصویر ۲۲).

باقی کلاه‌ها که شامل کلاه‌های نیم‌دایره ساده همراه با تزئینات سطحی بر روی آن است بر سر بعضی زنان دیده می‌شود. این کلاه‌ها در قسمت بالا میله نداشته و به صورت کاملاً ساده طراحی شده است (تصویر ۲۳). هرچند وجود این کلاه‌ها را در قرون ششم و هفتم ه.ق نمی‌توان رد کرد اما نمونه این کلاه‌ها را در قرون گذشته‌تر تا به امروز می‌توان جستجو کرد و این کلاه‌ها مختص این دوران نبوده و در همه ادوار وجود داشته است. برخی نمونه‌ها



۲۰. قالی برگ داسی کلارک، دوره صفوی. منبع: (www.sothebys.com)



۱۹. جانماز شهاب‌الدین، تصویر گرفته شده از فیلم.



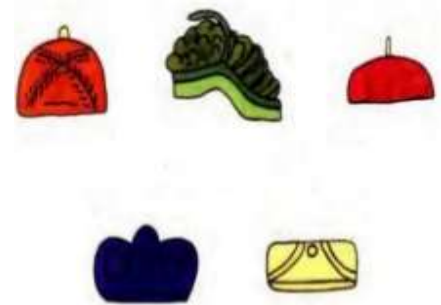
۱۸. پرچم جوانمردان، تصویر گرفته شده از فیلم.



۲۳. کلاه زنان، تصویر گرفته شده از فیلم.



۲۲. کلاه سارا، تصویر گرفته شده از فیلم.



۲۱. کلاه زنان در حکومت‌های ترک. منبع: (چیت‌ساز، ۱۳۷۹، قسمت تصاویر)



بازوبندی قرار داشت (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۲۷۷) (تصویر ۳۰). پیراهن مردان این مجموعه نیز همانند پیراهن زنان با مشکل عدم وجود نقش بازوبندی مواجه است. برخی از شخصیت‌های این مجموعه عبای جلو‌بازی به تن دارند که لبه‌ها روی هم قرار گرفته و با شالی بر کمر محکم شده است. این نوع پوشش مردان، شبیه‌ترین شکل استفاده شده در این مجموعه به پوشش خوارزمشاهیان است (تصویر ۳۱).

لباس برخی شخصیت‌ها، لباسی کوتاه با آستین‌های بلند است که برای استفاده از لباس‌های کوتاه در قرون ششم و هفتم ه.ق مدرکی وجود ندارد. مورد دیگری که در این مجموعه دیده می‌شود استفاده از پیراهن آستین کوتاه است (تصویر ۳۲) که در نمونه‌های یافت شده در آن دوره دیده نمی‌شود. به‌طور کلی به جز استفاده از لباس کوتاه و لباس‌های آستین کوتاه، در بقیه موارد یعنی پیراهن‌ها و قباها از لحاظ شکل ظاهری با لباس‌های مردان دوره خوارزمشاهی مطابقت داشته اما نقش بازوبندی در این لباس‌ها وجود ندارد.

شلوار: در دوره سامانیان، سلجوقیان، غزنویان و خوارزمشاهیان شلوارهای پرچین و گشاد، شلوارهای کمی گشاد و دمپا تنگ که در چکمه‌های ساق بلند فرو می‌رفت و نیز شلوارهای تنگ و رکابدار و یا شلوارهایی که در میچ پا جمع می‌شد مورد استفاده قرار می‌گرفت (غیبی، ۱۳۹۵: ۳۰۰). شلوار مردان در این مجموعه به ساده‌ترین شکل یعنی شلوار چسبان و گاه تا حدودی آزاد خلاصه شده که معمولاً در ناحیه میچ با نواری بلند بسته شده است. این شلوارها نیز در دوره خوارزمشاهی رواج داشته است.

کفش: کفش‌ها عموماً کفش‌های ساده یا چکمه‌های ساق‌دار از جنس چرم بودند که نوع نوک تیز آنها نیز مورد استفاده

یا نیم چکمه دیده می‌شود (غیبی، ۱۳۹۵: ۳۳۱). نوع دیگر کفشی نوک تیز و روباز بود که گاه کناره‌ها و لبه‌ها را کنگره‌دار می‌کردند (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۲۸۴) (تصویر ۲۷). این نوع کفش‌های روباز و کنگره‌دار در نمونه‌های قابل مشاهده در انیمیشن جوانمردان دیده نمی‌شود. در این مجموعه، کفش زنان معمولاً ساق کوتاه و بانوکی گرد و گاه تیز تصویر شده که نقشی اسلیمی روی آن دیده می‌شود (تصویر ۲۸).

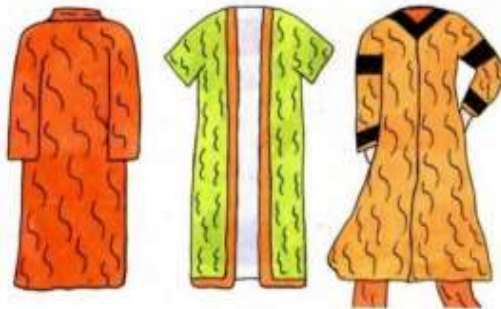
پوشش سر مردان در این دوران شامل کلاه، عمامه، کلاه-عمامه و سربند بود. در این دوران کلاه‌های متنوعی برای مردان وجود داشت. همچنین یکی از رایج‌ترین سرپوش‌های دوران ساسانی تا خوارزمشاهی دستارهایی است که به‌صورت مطبق یا ساده مورد استفاده قرار می‌گرفت (غیبی، ۱۳۹۵: ۳۰۷).

پوشش سر مردان در این مجموعه شامل کلاه و کلاه-عمامه است. تنها مورد استفاده از عمامه برای شخصیت حکیم روستا است. بیشتر کلاه‌ها، کلاه‌های نیم‌دایره‌ای ساده با نواری است که بر لبه آن دوخته شده است. برخی کلاه‌ها نیز کله‌قندی و کشیده هستند که لبه آن به بیرون برگشته است. برخی شخصیت‌ها نیز کلاه-عمامه دارند که در این دوره نیز مورد استفاده بوده است (تصویر ۲۹). بنابراین می‌توان پوشش سر مردان را با نمونه‌های تاریخی منطبق دانست.

قبا: قبا‌های بالای زانو از جمله تنپوش‌هایی بود که به‌ویژه ترکان از آن استفاده می‌کردند. ولی در موارد دیگر بلندی قباها که روی پیرهن پوشیده می‌شد تا ساق پا می‌رسید. مردم عادی در دوره صفاریان، سلجوقیان، آل بویه و خوارزمشاهیان از این قباها استفاده می‌کردند (غیبی، ۱۳۹۵: ۲۹۴). اغلب در محل بازوی این قباها نقش



۲۶. لباس زنان، تصویر گرفته شده از فیلم.



۲۵. قبا‌های زنان در حکومت‌های ترک. منبع: (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: قسمت تصاویر)



۲۴. شال و سربند، تصویر گرفته شده از فیلم.



۲۸. کفش زنان، تصویر گرفته شده از فیلم.



۲۷. کفش زنان در حکومت‌های ترک. منبع: (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: قسمت تصاویر)

بنابراین بهتر بود به همان نقوش ایرانی بسنده می‌شد.

ظروف و اشیاء فلزی: پوپ در توصیف فلزکاری دوره سلجوقی می‌نویسد: «هنر فلزکاری این دوره نشان نبوغ خام و شخصیت استوار اربابان جدید مملکت را بر خود دارد. سترگ است، بی‌آنکه بزرگ و حجیم باشد. به جزئیات بی توجه و شاداب است، گویی که هنرمندان چیزی از روحیه شاداب فرمانروایانشان را برگرفته باشند و تعلق و تاخیر را بر نتابند» (پوپ و آکرم، ۱۳۸۷: ۲۸۸). در این دوره فلزکاری و ساخت مصنوعات فلزی و ظریف به بالاترین کیفیت دست یافت و خراسان به مقام ممتازی در زمینه فلزکاری رسید. به تدریج فلزکاری ایران در زمینه شکل و تزئینات دچار تغییراتی شد تا جایی که مکتب فلزکاری سلجوقی پدید آمد (لکپور، ۱۳۷۵: ۱۲). ظروف فلزی استفاده شده در مجموعه جوانمردان بسیار ساده و در اکثر موارد فاقد تزئینات هستند. تنها نمونه فلزی موجود در این مجموعه که نسبت به نمونه‌های دیگر از ظرافت بیشتری برخوردار است ابریق فلزی ظریفی است که در بیشتر قسمت‌های این انیمیشن دیده می‌شود (تصویر ۳۴).

یکی دیگر از آثار فلزی موجود در این مجموعه، درفش کاویانی است که در خلال جنگ ایرانیان و مغولان دیده می‌شود (تصویر ۳۵). این درفش در جنگ قادسیه به دست اعراب افتاد و از بین رفت (زرینکوب، ۱۳۸۳: ۳۲۶). بنابراین حضور این پرچم در ارتش ترکان خوارزمشاهی در قرن هفتم ه.ق توجیه‌پذیر نیست.

در مصاحبه‌ای که با آقای علی احمدی کارگردان مجموعه صورت گرفت^۱، ایشان دلیل تناقضات تاریخی و دوربودن از

بود (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۲۸۱). با توجه به مطالب گفته شده و نمونه‌های موجود در این مجموعه، کفش‌ها و چکمه‌های مردان با نمونه‌های یافت شده از قرون ششم و هفتم ه.ق منطبق است. به طور کلی طراحی لباس‌های مجموعه جوانمردان بسیار محتاطانه صورت گرفته است به نحوی که می‌توان این لباس‌ها را با هر دوره تاریخی در ایران مطابقت داد. هرچند وجود نمونه‌هایی مانند سربند و شال زنان به طور کلی در این دوره وجود نداشته است.

فرش: متأسفانه از دوران سلجوقی و خوارزمشاهی فرش به جای نمانده و در واقع قدیمی‌ترین فرش دستباف در ایران مربوط به قرن دهم ه.ق است (حسن، ۱۳۸۸: ۱۳۴). به گفته پوپ تنها نشانی از فرشبافی در این دوران را در آثار مکتوب آن می‌توان یافت (پوپ و آکرم، ۱۳۸۷: ۲۶۲۹). در این مجموعه، میان فرش‌هایی با طرح‌های ایرانی مانند طرح بلمه و لچک و ترنج؛ با دو نوع فرش مواجیم که مربوط به منطقه شروان قفقاز هستند (تصویر ۳۳). بر روی این فرش‌ها نقش معروف ستاره هشت پر دنداندار یا «لسگی»^۲ است که از نقوش مطرح فرش‌های قفقازی محسوب می‌شود. در واقع به گفته استون^۳: نقش ستاره لسگی در فرش‌های شاهسون، آتاتولی شرقی و قفقاز دیده می‌شود. اگرچه استفاده از این نقش بسیار گسترده است اما این طراحی با فرش‌های قرن نوزدهم میلادی داغستان همراه است (Stone, 2013: 174). بنابراین هرچند منطقه قفقاز در زمان حکومت سلجوقی و خوارزمشاهی بخشی از قلمرو ایران محسوب می‌شد ولی استفاده از فرش‌های قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم ه.ق) این منطقه در قرون ششم و هفتم ه.ق نیاز به بررسی بیشتر دارد.



۳۱. لباس مردان، تصویر گرفته شده از فیلم.



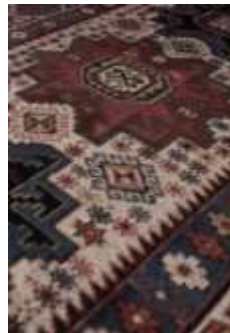
۳۰. قبا‌های مردان در حکومت‌های ترک. منبع: (چیت‌ساز، ۱۳۷۹، قسمت تصاویر)



۲۹. کلاه مردان، تصویر گرفته شده از فیلم.



۳۳. فرش‌های مجموعه جوانمردان، تصویر گرفته شده از فیلم.



۳۲. تصویر گرفته شده از فیلم.



۳۵. درفش کاویانی، تصویر گرفته شده از فیلم.



۳۴. ظروف فلزی، تصویر گرفته شده از فیلم.

نشده است. همچنین در طراحی لباس مردان تا حدودی خصوصیات هنری این دوره رعایت شده است. اما ذکر این نکته ضروری است، مواردی که نام برده شد، به جز چند نمونه آجرکاری، به طور قطع نمی‌توان این موارد را منسوب به خوارزمشاهیان دانست، زیرا نشانه‌های شاخص آن دوره را دارا نیستند. در واقع می‌توان گفت این مجموعه سعی کرده است، فضایی ایرانی را همراه با تخیل داستانی به تصویر درآورده و از تطابق آن با واقعیت خودداری کند. بنابراین تنها نشانی از هنرهای رایج در دوره خوارزمشاهی را در بخش‌های کوچکی از اثر می‌توان مشاهده کرد و بیشتر تأکید این مجموعه بر روی زیبایی بصری بدون در نظر گرفتن تاریخ، هویت و خاستگاه هنرهاست.

پی‌نوشت‌ها

1. Kihachirō Kawamoto
2. Hillenbrand
۳. لوله سفالین یا سمنی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار کار گذارند تا از آن آب عبور کند (حاتم، ۱۳۷۹: ۲۳۷).
4. Pope
5. Ackerman
6. Gardner
7. Clark
8. Iesghi star
9. Stone
۱۰. مصاحبه نگارنده دوم با آقای علی احمدی، کارگردان مجموعه انیمیشن جوانمردان، ۱۳۹۸/۹/۱۶.

فهرست منابع فارسی

- اکبری، پریوش (۱۳۷۷)، معماری مساجد دوره خوارزمشاهی در خراسان، مجله اثر، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۱۶۰-۱۶۳.
- پوپ، آرتور اپهام و موریس آکرمن (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، ترجمه: نجف دریابندری و دیگران. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۱)، مصالح ساختمانی (آژند، اندود، آمود)، تألیف زهره بزرگمهری. تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۵)، معماری ایرانی (چاپ ششم). تألیف غلامحسین معماریان. تهران: مؤلف.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۸)، سبک‌شناسی معماری ایرانی (چاپ بیست و

واقعیت بصری این مجموعه را، ایجاد جذابیت بیشتر برای مخاطب عنوان کرده و بیان داشتند: ما نمی‌خواستیم کاری تاریخی بسازیم، زیرا تاریخی بودن داستان موجب ارجاعات تاریخی پیاپی شده و ارجاعات باعث می‌شود از درام داستانی غافل شویم. ما می‌خواستیم انیمیشنی مهیج و حماسی بسازیم و نکته مهم برای ما، حماسی بودن و قهرمان‌سازی است.

به هر تقدیر ساخت یک اثر با داستانی حول محور حمله مغولان به ایران خواه ناخواه بیانگر دوره تاریخی اثر یعنی ابتدای قرن هفتم ه.ق و حکومت خوارزمشاهیان است. اگر گروه سازنده قصد ساخت کاری تاریخی نداشته، بهتر بود اشاره‌ای به واقعه حمله مغولان نمی‌کرد و موجب خلق ذهنیتی غلط از هنر قرون ششم و هفتم ه.ق که یکی از ادوار طلایی هنری در ایران محسوب می‌شود، در ذهن مخاطب نوجوان نمی‌شد. دوره سلجوقی و خوارزمشاهی بنا بر آن چه گفته شد به قدر کافی زیبایی و شکوه در وجود خود دارد که نیازی به وام گرفتن از دوره‌های تاریخی و حتی تمدن‌های دیگر نداشته باشد. دورانی که خود بر هنر قرون بعد از خویش تأثیر گذاشته و آیندگان از آن بهره گرفتند.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول که تا چه میزان از ویژگی‌های هنری همزمان در ساخت مجموعه انیمیشن جوانمردان استفاده شده است؟ نتیجه این پژوهش نشان داد که در طراحی این مجموعه هیچ توجهی به دوره تاریخی آن نشده و بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و تاریخی تنها به خلق فضایی با ویژگی‌های اسلامی پرداخته شده است. و سوال دوم نیز که درباره بیشترین زمینه بهره‌گیری از مباحث تاریخی در انیمیشن جوانمردان بود، مشخص شد در بخش شهرسازی، ساختار شهر قاران با شهرهای قرون میانی اسلامی تطابق دارد. همچنین معماری بنای بازار نیز با معماری اسلامی آن دوران منطبق است. در بخشی از آجرکاری بناها و نیز استفاده از کاشی معقلی انتخاب به درستی صورت گرفته است؛ هرچند بهتر بود تأکید بیشتر روی آن صورت می‌گرفت. استفاده از منبت کاری برای در و پنجره آن دوره انتخاب صحیحی بوده هرچند به خوبی پرداخت



- شماره ۲۰: ۱۸۳-۱۸۶.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۶)، *تزئینات وابسته به معماری دوران اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۹۲)، *سفال و سفالگری در ایران: از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر* (چاپ پنجم). تهران: انتشارات ققنوس.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۵)، *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. تهران: هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران.
- گاردنر، هلن (۱۳۸۵)، *هنر در گذر زمان* (چاپ هفتم). ترجمه: محمدتقی فرامرزی. تهران: انتشارات آگاه.
- لک‌پور، سیمین (۱۳۷۵)، *سفیدروی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- هیلنبرند، رابرت (۱۳۹۵)، *معماری اسلامی* (چاپ هشتم). ترجمه: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه.
- هیلنبرند، رابرت (۱۳۹۴)، *هنر و معماری اسلامی* (چاپ چهارم). ترجمه: اردشیر اشراقی. تهران: انتشارات روزنه.
- یاوری، حسین و فروهر نورماه (۱۳۹۳)، *نگرشی بر تحولات صنایع دستی در جهان* (چاپ پنجم). تهران: انتشارات سوره مهر.
- یکم). تألیف غلامحسین معماریان. تهران: انتشارات گلجام.
- چیت‌ساز، محمدرضا (۱۳۷۹)، *تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول*. تهران: انتشارات سمت.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۹)، *معماری ایران در دوره سلجوقیان*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۹۷)، *از شار تا شهر* (چاپ هفدهم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسن، زکی محمد (۱۳۸۸)، *هنر ایران در روزگار اسلامی* (چاپ دوم). ترجمه: محمد ابراهیم اقلیدی. تهران: انتشارات صدای معاصر.
- دادور، ابوالقاسم و الناز حدیدی (۱۳۹۲)، *بررسی نقوش منسوجات قرون اولیه اسلامی، جلوه هنر، دوره ۳، شماره ۲: ۱۵-۲۲*.
- زرینکوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *تاریخ ایران بعد از اسلام* (چاپ دهم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شکفته، عاطفه، حسین احمدی و امید عودباشی (۱۳۹۴)، *تزئینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزئینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی*.
- پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۳، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۶): ۸۴-۱۰۶.
- طاهباز، منصوره و شهربانو جلیلیان (۱۳۹۰)، *اصول معماری همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مساجد*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- غیبی، مه‌رسا (۱۳۹۵)، *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی* (چاپ ششم). تهران: هیرمند.
- قندی، سیاوش (۱۳۸۲)، *نقش کاشی در معماری ایرانی، هنرهای تجسمی،*

فهرست منابع لاتین

Stone, Peter f. (2013). *Oriental Rugs: An Illustrated Lexicon of Motifs, Materials, and Origins*. www.tuttlepublishing.com.



An Analytical Review of Traditional Arts in Javanmardan Computer Animated Series*

Abdolkarim Attarzade¹, Zahra Lotfi^{**2}

¹Assistant Professor, Handicraft, Islamic Arts, Calligraphy and Miniature Painting Department, Faculty of Art, Soore University, Tehran, Iran.

²Graduate Master in Islamic Arts, Faculty of Art, Soore University, Tehran, Iran.

(Received: 18 Feb 2020, Accepted: 9 Aug 2020)

Javanmardan computer-animated series is one of the series produced by the order of Saba Animation Center. The first sequence of this series is produced in 13 episodes of 20 minutes. The story of this series revolves around an imaginary character named Shahab al-Din, who was the commander of the Iranian corps during the Mongol invasion of Iran and was defeated in battle due to the betrayal of one of his troops. After losing his troops, Shahab al-Din with entrance to the city called Gharan decided with the help of several people and his close friend, Murad, to form a group called Javanmardan, and to defend the people in the face of the Mongol oppression. This animation is produced in computer three dimensions, directed by Ali Ahmadi and produced by Elham Ebrahimi. In this research, considering the period of this series, ie the Mongol invasion of Iran, which takes place in the early seventh century AH, it has been tried to examine to what extent the traditional arts coincide with the period this animation, that is, Seljuk and Khwarazmian, has been used, and in what fields has this use been more? The purpose of this study is to examine the historical realism-graphy in today's figuration. The type of research is basic and the research method is descriptive-analytical and data collection is done in the form of library, field, observation, and interview. Due to the short life of the Khwarazmian government and the few works of that period, in addition to the art of the Khwarazmian period, the art of previous governments, especially the Seljuks, was also studied because the eastern Islamic lands between 391 and 617 AH., have a common artistic language and the art of the Seljuks, Buyid, Ghaznavids, Ghourid, Qara Khitai and Khwarazmian are mixed. In this research, the traditional arts used in the Javanmardan animation series

are divided into several categories. Urban planning, architecture, architectural elements, pottery, textiles, carpets, and metalworks.

The result of this research showed that in the design of this series, no attention has been paid to its historical period and only space with an Islamic attitude has been created, regardless of its geographical and historical location. In other words, an attempt has been made to use a beautiful Iranian face, and in this way, they have even used the art of more recent periods, such as Safavid and Qajar. During the comparison and study of the arts used in this series with historical examples of the sixth and seventh centuries, AH, only a few parts of the brickwork and tiling decorations, inlaid doors, urban structure, market architecture, and men's clothing can be considered consistent with this period, although in these sections there are contradictions in the details and decorations in such a way that in some cases. Still, the existence of these works in that period cannot be ruled out with certainty, there are no obvious signs of the art of that time to represent the artistic richness of that time.

Keywords

Animated Film, Traditional Arts, Khwarazmian dynasty, Seljuk Empire, Javanmardan Animated Film, Islamic Architecture

*This article is extracted from the first author's master thesis, entitled "An analytical review of traditional arts in Javanmardan computer-animated series" under supervision of the second author in Soore University.

**Corresponding Author: Tel: (+98-919) 4885927, Email: Zahra.lotfi.zahra@gmail.com